

شناسایی مسائل تعاونی‌های صنایع دستی: یک پژوهش کیفی در شهر اصفهان

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه دیجیتال: [DOI:10.22034/JEDS.2023.51704.1656](https://doi.org/10.22034/JEDS.2023.51704.1656)

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱

الهه شعبانی آفرانی^۱
مهتری شاه‌زیدی*^۲
عباس کیانی بابوکانی^۳

چکیده

تعاونی‌های صنایع دستی با هدف ارتقای ابعاد فرهنگی و اقتصادی صنایع دستی شکل گرفتند و بر آن بودند تا موجب افزایش سهم صنایع دستی در تولید اقتصادی شوند. با این حال، تعاونی‌های صنایع دستی در اصفهان نتوانسته‌اند عملکرد مؤثری داشته باشند. از این رو، هدف این پژوهش شناسایی مسائلی بود که مسیر توسعه تعاونی‌های صنایع دستی را مسدود کرده‌اند و مانع از آن شده‌اند که تعاونی‌ها بتوانند به سهم مطلوب خود در تولید اقتصادی دست یابند.

بر مبنای رویکرد کیفی اتخاذ شده در این پژوهش تکنیک گردآوری مصاحبه و تکنیک تحلیل داده‌ها منطبق بر روش تحلیل مضمون و جمعیت مورد مطالعه شامل فعالان و مسئولان بود. به دلیل اینکه منبع و مبنای اصلی داده‌ها تجزیه و تحلیل نظرات کارشناسان و متخصصان است، شیوه‌ی نمونه‌گیری این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند بوده است. نمونه‌گیری پس از انجام ۲۱ مصاحبه به حد اشباع رسید ولی برای اطمینان نمونه‌گیری تا ۲۵ نمونه ادامه پیدا کرد.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، مسئله از آنجایی شروع می‌شود که تعاونی‌ها دیگر تعاونی نیستند و از انجام وظایف تعاونی ناتوان‌اند. به همین خاطر خودبه‌خود تعطیل شده یا به حالت تعلیق درآمده‌اند. از جمله وظایف اصلی تعاونی‌های صنایع دستی، تأمین مواد خام و مواد اولیه مورد نیاز صنعتگران و هنرمندان است که همه افراد مصاحبه‌شونده در پژوهش بر این نظر بودند که تعاونی‌ها از عهده این وظیفه بر نمی‌آیند. حمایت از صنعتگران برای فروش محصولات و وظیفه دیگری است که آن‌هم از توان تعاونی‌ها خارج شده است. عدم دسترسی تعاونی‌ها به مواد اولیه صنایع دستی از یک سو تحت تأثیر تحریم‌ها و عدم واردات مواد اولیه و از سوی دیگر تحت تأثیر برخی ناکارآمدی‌های داخلی است. مسائلی که منجر به ناکارآمدی و حتی تعطیلی برخی تعاونی‌های صنایع دستی در اصفهان شده به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند. این سه عبارتند از مسائل درون‌سازمانی تعاونی‌ها، مسائل بین‌سازمانی (بین تعاونی‌ها و دیگر سازمان‌های مرتبط)، و مسائل فراسازمانی که فراتر از سازمان خاص و در سطح کلان بر این روند اثرگذار هستند.

واژگان کلیدی: تعاونی، صنایع دستی، تعاونی‌های صنایع دستی

Elaheshabani1@gmail.com

۱. دکترای تخصصی، پژوهشگر آزاد.

۲. مدیر گروه مطالعات گردشگری، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی اصفهان، (نویسنده مسئول)

Mehrishazeidi@gmail.com

kiani.abbas72@gmail.com

۳. کارشناس پژوهش گروه مطالعات گردشگری، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی

مقدمه و بیان مسئله

صنایع‌دستی اگرچه به قولی از یادها رفته اما بخشی از تجربه زیسته ما ایرانیان است. تجربه‌ای که ما را به‌عنوان یک کل ایرانی به هم پیوند می‌دهد و بخشی از هویت ملی ما بر پایه آن شکل گرفته است. شاید به همین دلیل است که ایرانیانی که خارج از کشور زندگی می‌کنند، خانه خود را با صنایع‌دستی تزئین می‌کنند؛ و یا اینکه بخش قابل‌توجهی از هدایای افراد به یکدیگر قالبی از صنایع‌دستی دارد. ابعاد فرهنگی چنین سرمایه‌عظیمی از ابعاد اقتصادی آن ارزش بیشتری دارد و حفظ این سرمایه بسیار مهم است. باین‌حال، شرایط اجتماعی به‌گونه‌ای پیش رفته است که سلاطین اجتماعی در حال تغییر است و صنایع‌دستی نتوانسته است که همگام با تغییر سلاطین خود را به‌روز کند. به همین دلیل نسل جدید قرابت کمتری با صنایع‌دستی حس می‌کنند. از سوی دیگر، بیم آن می‌رود که فوت استادکاران صنایع‌دستی، به‌عنوان یک سرمایه ارزشمند، در سایه فرایند جهانی‌شدن فراموش شود. از این‌رو، نیاز است که صنایع‌دستی به نحوی به‌روزهای درخشان خود بازگردد.

در نظر گذشتگان ساختار تعاونی برای حفظ و رونق صنایع‌دستی ساختار مناسبی بوده است. از سوی دیگر، این ساختار با جمعیت شاغل به صنایع‌دستی نیز همخوانی داشته است. اما، بررسی‌ها حاکی از آن است که تعاونی‌های صنایع‌دستی عملکرد موفقی ندارند. در چهارچوب‌های تئوریک، سازوکار تعاونی قرار است که ناکارآمدی‌های اقتصاد دولتی و اقتصاد خصوصی را جبران کند. از این‌جهت است که بخشی از سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی بر کاهش سهم بنگاه‌های اقتصادی بخش دولتی به نفع بخش تعاون تأکید کرده است. مطابق اصل ۴۴ مقرر شده است که ۲۵ درصد اقتصاد ایران را اقتصاد تعاونی تشکیل دهد. باین‌حال، آنچه در واقعیت با آن روبه‌رو هستیم، ضعیف شدن اقتصاد تعاونی است. این قضیه در مورد اقتصاد صنایع‌دستی نیز حاکم است. در حوزه نظر، قرار بود با ایجاد تعاونی‌های صنایع‌دستی اقتصاد صنایع‌دستی رونق بگیرد ولی در حال حاضر تعاونی‌های صنایع‌دستی جزء ضعیف‌ترین تعاونی‌ها، حداقل در شهر اصفهان، هستند.

تعاونی‌های صنایع‌دستی از حدود دهه ۴۰ شمسی در اصفهان شکل گرفتند. در واقع، اصفهان به دلیل داشته‌های غنی در زمینه صنایع‌دستی یکی از اولین شهرهای هدف برای ایجاد این تعاونی‌ها بود. عملکرد این تعاونی‌ها، بر مبنای میزان تولید و فروش، موفق بوده است (اعتمادی، ۱۳۵۱). بر مبنای آمار ارائه‌شده از سوی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در حال حاضر ۱۷ تعاونی صنایع‌دستی در شهر اصفهان ثبت شده است. از این ۱۷ تعاونی، ۶ تعاونی قلم‌زن‌ها، چیت‌سازها، نقره‌کارها، ملیله‌سازها، میناسازها، و خاتم‌سازها در حدود دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی ایجاد شده‌اند و در حال حاضر دارای یک اتحادیه هستند. ۱۱ تعاونی دیگر بعد از انقلاب شکل گرفته‌اند.

متأسفانه هیچ داده آماری قابل‌اعتنایی در خصوص این تعاونی‌ها وجود ندارد. اطلاعات ثبت‌شده از این تعاونی‌ها در اداره تعاون محدود به اعضای هیئت‌مدیره، سال تأسیس و آدرس

است که چندین سال است به‌روز نشده است. از سوی دیگر، هیچ‌گونه اطلاعاتی از وضعیت مالی تعاونی‌ها در اداره تعاون موجود نیست و نظارت‌های مالی نیز در خصوص این تعاونی‌ها انجام نمی‌شود. با این حال، گفتگو با اعضای هیئت‌مدیره‌های این تعاونی‌ها حاکی از آن است که تعداد قابل‌توجهی از تعاونی‌ها و همچنین اتحادیه صنایع‌دستی غیرفعال هستند. مطابق مصاحبه‌های انجام‌شده، به علت گردش مالی اندک تعاونی‌های صنایع‌دستی، بیش از دو دهه است که حسابرسی مالی در خصوص این تعاونی‌ها انجام نشده است.^۱ افزون بر این، در طول دو دهه گذشته هیچ‌یک از تعاونی‌های صنایع‌دستی جزء تعاونی‌های برتر استان نشده‌اند.

شرایط مذکور نشان از آن دارد که وضعیت تعاونی‌های صنایع‌دستی در اصفهان مطلوب نیست. در حالی که اسناد تاریخی و همچنین مصاحبه‌ها مؤید این موضوع است که این تعاونی‌ها در بدو امر عملکرد موفقی داشته‌اند. از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش دستیابی به درک عمیق‌تری از مسائلی است که تعاونی‌های صنایع‌دستی مبتلا به آن هستند و موجب عملکرد ضعیف آن‌ها شده‌اند. درک عمیق این مسائل می‌تواند موجب شود که سیاست‌گذاری در خصوص تعاونی‌های صنایع‌دستی با چشم‌انداز روشن‌تری انجام شود. افزون بر این، این پژوهش در تلاش است که موضوع از یادرفته اقتصاد تعاونی را به چهارچوب‌های پژوهشی بازگرداند.

در راستای دستیابی به این اهداف، این پژوهش با رویکرد کیفی انجام شده است. چراکه مسئله‌هایی که تعاونی‌های صنایع‌دستی با آن مواجه‌اند ریشه در موضوعاتی دارند که صرفاً محدود به مبحث تعاونی و صنایع‌دستی نیست.

مفاهیم پژوهش

تعاونی

در نظام حساب‌های ملی سازمان ملل، دولت به‌عنوان «بخش اول» و بنگاه‌های خصوصی و فعالیت‌های آن‌ها به‌عنوان «بخش دوم» تعریف شده‌اند. در این نظام همچنین بخشی به نام «بخش سوم» وجود دارد. بخش سوم با عناوین دیگری از قبیل «اقتصاد اجتماعی»، «بخش غیرانتفاعی»، «بخش داوطلبانه»، «بخش مستقل»، «بخش غیررسمی»، «بخش خیریه»، «بخش معاف از مالیات» و «جامعه مدنی» هم شناسایی شده است که انجمن‌های داوطلبانه، سازمان‌های غیرانتفاعی و سازمان‌های غیردولتی همگی در این بخش جای می‌گیرند. هسته مرکزی بخش سوم شامل «بنگاه‌های تعاونی، شرکت‌های بیمه اتکایی و انجمن‌هایی» است که فعالیت اقتصادی انجام می‌دهند. در واقع، این بخش همکاری‌های اقتصادی سازمان‌یافته بین شهروندان است (لورندال^۲، ۱۹۹۷: ۳۷۹ و ۳۸۰). معیارهای عمومی توصیف بخش سوم عبارت‌اند

۱. به دلیل فقدان اطلاعات در خصوص تعاونی‌های صنایع‌دستی در برخی از موارد به مصاحبه‌های انجام شده استناد شده است.

2. Lorendahl

از ارائه خدمات به اعضا بر مبنای منافع متقابل یا مشترک، تقدم افراد بر سرمایه‌ها، عملکرد دموکراتیک، و نظام مدیریتی مستقل از دولت (ویوت و سرتی^۱، ۲۰۰۱). بخش سوم می‌تواند الگوهای اجتماعی را هم در کشورهایی که بخش دولتی باید کوچک‌تر شود و یا در اقتصادهای در حال گذار، تغییر دهد. همچنین این بخش می‌تواند به توسعه اقتصادی کشورهای در حال گذار کمک بکند (آلاندر^۲، ۲۰۰۲).

بخش تعاونی هرچند که در داخل بخش سوم جای می‌گیرد، ولی با توجه به اهداف اقتصادی، ارزش‌ها، اصول و جهت‌گیری اقتصادی آن در بخش غیرانتفاعی جای نمی‌گیرد. تعاونی‌ها بر فعالیت‌های اقتصادی و نفع اعضا تمرکز داشته، به وسیله اعضا اداره می‌شوند و در جهت اهداف و نیازهای مشترک آن‌ها عمل می‌کنند. از این‌رو، تعاونی‌ها را باید به‌عنوان یکی از اجزای مهم بخش سوم محسوب کرد، ولی نباید آن را در بخش غیرانتفاعی وارد ساخت. حتی اگر فعالیت‌های اقتصادی و نفع اعضا، اساس تعاونی‌ها را در بخش سوم تشکیل بدهند، آن‌ها اهداف دیگری نظیر آموزش، مشارکت اجتماعی و اشتغال‌زایی را دنبال می‌کنند. در هر صورت، کارآیی اجرایی، اهداف فردی و جمعی و علایق مشترک به‌عنوان معیارهایی برای تعلق افراد به تعاونی‌ها و بخش سوم در نظر گرفته می‌شود (نیلسون^۳، ۱۹۹۱).

صنایع دستی

صنایع دستی که سابقاً تحت عنوان صنایع مستظرفه از آن نام برده می‌شد، از منظر زبانی واژه‌ای دوگانه به نظر می‌رسد که دلالت‌های متفاوتی را دربر می‌گیرد. از طرفی صنعت بر مدرن بودن دلالت دارد و از طرف دیگر دستی بودن بر غیر صنعتی، غیر مدرن و سنتی بودن دلالت دارد. به عبارتی، در تعریف واژگانی آن با دو انتخاب کاملاً متفاوت سنتی و مدرن مواجه هستیم. در تعریف صنایع دستی نیز با دو رویکرد متفاوت روبرو هستیم؛ در رویکرد سنت‌گرایانه بر ارزش‌های نمادین و متجلی ساختن اعتقادات معنوی تأکید می‌شود، اما در رویکرد مدرن، ارزش‌های زیبایی‌شناسانه طرح و رنگ و کارکردهای تزئینی آن مورد توجه است. از طرف دیگر، امروزه صنایع دستی به‌عنوان رشته‌ای از هنر در مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های هنر تدریس می‌شود و این در حالی است که جایگاه این هنر در میان هنرها هنوز در پرده ابهام قرار دارد (خبازی کناری و سبطی، ۱۳۹۶: ۸).

با این حال، صنایع دستی بدون شک یکی از مهم‌ترین جلوه‌های فرهنگ و تمدن هر کشوری است (شپستری، ۱۳۸۶: ۱۷). از آنجاکه آثار و صنایع دستی توسط مردم عادی و در جریان زندگی روزمره آن‌ها خلق می‌گردند، ریشه‌های قومی، فرهنگی و اجتماعی آنان نیز در این ساخته‌ها

1. Vivet & Thirty
2. Ahlander
3. Nilsson

تجلی می‌یابد (فرج‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۶). به عبارت دقیق‌تر، آثار و صنایع‌دستی در نحوه زندگی و چگونگی گذران مردم ریشه داشته و رابطه تنگاتنگی با فرهنگ و سنت‌های یک منطقه دارد (کرمی‌نژاد، ۱۳۷۸: ۱۷). به‌علاوه، این محصولات فرهنگی با خصلت‌های بومی و سنتی خود هویت فرهنگی را تقویت کرده و قوه خلاقیت و آگاهی مردم را نسبت به میراث فرهنگی افزایش می‌دهند (کیا، ۱۳۸۸: ۱۳۴). وجه تمایز اصلی صنایع‌دستی از مصنوعات مشابه ماشینی و کارخانه‌ای همین ویژگی وجود ذوق هنری و خلاقیت سازندگان در آن‌ها است (رستارنما، ۱۳۸۹: ۱۸). علاوه بر این، تنوع بخشیدن به تولید در این صنعت با کمترین هزینه انجام می‌گیرد (نفیسی‌فر، ۱۳۶۹: ۴۷).

تعاونی‌های صنایع‌دستی

مطابق با داده‌های پایان‌نامه‌ای با عنوان «تعاونی‌های صنایع‌دستی اصفهان» در سال ۱۳۵۲ تعداد ۵ تعاونی صنایع‌دستی در اصفهان وجود داشته است که عبارت‌اند از:

- شرکت تعاونی قلم‌زن‌ها و سازندگان فلزات مس و برنج
- شرکت تعاونی ملیله‌سازان
- شرکت تعاونی قلمکارسازان
- شرکت تعاونی خاتم‌سازان
- شرکت تعاونی صنایع‌دستی نقره (اعتمادی، ۱۳۵۱: ۷۷).

چهار تعاونی از این ۵ تعاونی در سال ۱۳۴۲ و یک مورد در سال ۱۳۴۸ شکل گرفته است. (اعتمادی، ۱۳۵۱: ۷۸). عملکرد این تعاونی‌های صنایع‌دستی که در حوزه‌های تأمین، تولید و توزیع، و فروش فعالیت می‌کرده‌اند مثبت و بسیار قابل‌توجه بوده است. به‌عنوان مثال، شرکت تعاونی قلم‌زن‌ها در سال ۴۸ در مقایسه با سال ۴۷ حدود سه برابر افزایش فروش و سال ۴۹ در مقایسه با سال ۴۸ حدود ۶ برابر افزایش فروش داشته است. این بهبود عملکرد در مورد همه تعاونی‌ها صادق بوده است (اعتمادی، ۱۳۵۱: ۸۳).

در حال حاضر اطلاعات در مورد تعاونی‌های صنایع‌دستی و وضعیت فعالیت آن‌ها بسیار ناقص است. در طی مراجعه‌های انجام‌شده به اداره کل تعاون، اداره تعاون شهرستان و اتاق تعاون مشخص گردید که اطلاعات مکتوبی از این تعاونی‌ها در دست نیست. تنها اطلاعات موجود اطلاعاتی حداقلی از زمینه فعالیت و مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره است. با این حال، حتی این اطلاعات هم قابل‌اتکا نیست. در واقع، بسیاری از تعاونی‌ها تغییرات خود را به اداره تعاون گزارش نداده‌اند و همچنین سیستم مربوط به اطلاعات تعاونی‌ها حدود یک سال و نیم قطع بوده است. به همین دلیل، به‌طور دقیق مشخص نیست که کدام‌یک از این تعاونی‌ها فعال و کدام غیرفعال است. در تماس‌هایی که با مدیران عامل و روسای هیئت‌مدیره این تعاونی‌ها انجام شد تعدادی از

شماره‌ها به فرد دیگری انتقال یافته و تعدادی نیز خاموش بود. افزون بر این، در برخی موارد گرچه اطلاعات اداره تعاون و همچنین خود تعاونی حکایت از فعال بودن تعاونی دارد، ولی تعاونی در اصل غیرفعال است.

جدول ۱: تعاونی‌های شهرستان اصفهان

نام تعاونی	نوع تعاونی	مدیرعامل / رئیس هیئت مدیره	وضعیت فعالیت	ارائه گزارش مالی
خاتم‌سازی سیم اوج هنر اصفهان	تولیدی	آقای تمنایی	افتتاح نشده	خیر
دیبا خانه صنایع‌دستی اصفهان	تولیدی	نجمه آهنگران، آقای اخلاقی	فعال	خیر
ترونند نگار نقشینه	تولیدی	خانم الهیاری	فعال	خیر
زرین فراز نقش جهان	تولیدی	طاهره شفیعی، مصطفی میرزایی	در دست اجرا	خیر
شرکت تعاونی پرسیس جهان نگاره	تولیدی	فاطمه شفیعی، زهرا شفیعی	فعال	بله
آشنایان همیشگی خورشید	تولیدی	سمیرا حسینی، زهرا صدیقی	فعال	خیر
شرکت تعاونی صنایع‌دستی شکیل هخامنش	تولیدی	هدایت حیدری، مریم حیدری	فعال	خیر
گوهر تابان سپاهان	تولیدی	اشرف جبل‌عاملی	غیرفعال	خیر
کاشی هفت‌رنگ	تولیدی	-	غیرفعال	خیر
مدرن طرح لچک	تولیدی	حسن پیکام	فعال	خیر
تعاونی هنرمندان توانمند نقش جهان	تولیدی	آقای ایوبی	فعال	خیر
قلم‌زن‌ها	تأمین نیاز	مصطفی شیران	فعال	خیر
چیت‌سازها	تأمین نیاز	آقای عطریان، آقای معتمدی	غیرفعال	خیر
نقره‌کارها	تأمین نیاز	-	غیرفعال	خیر
ملیله‌سازها	تأمین نیاز	-	راکد	خیر
میناسازها	تأمین نیاز	حجت‌الله کریمی	فعال	خیر
خاتم‌سازها	تأمین نیاز	آقای تمدن فر، آقای رحیم امینی	غیرفعال	خیر

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده در مورد مسائل و مشکلات تعاونی‌ها بسیار گسترده هستند، اما پژوهش‌های مرتبط با تعاونی‌های صنایع‌دستی اندک‌اند. از این‌رو، در کنار پژوهش‌های محدودی که در خصوص تعاونی‌های صنایع‌دستی وجود دارد، پژوهش‌هایی که به‌طور کلی به موضوع

چالش‌های تعاونی‌ها پرداخته‌اند نیز بررسی شده‌اند. بر مبنای این پژوهش‌ها چالش‌های شرکت‌های تعاونی در سه بخش قابل بررسی است که در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است:

جدول ۲: جدول پیشینه‌های پژوهشی

پژوهشگران	چالش‌های تعاونی‌ها در عملکرد اثربخش
چالش‌های فردی	بی‌اعتمادی، نبود روحیه انتقادپذیری، کمبود دانش و تخصص، عدم باور به فلسفه تعاون، فقدان روحیه مشارکت‌جویی، سطح پایین تحصیلات، روحیه پایین خطرپذیری، روحیه پایین کارآفرینی، انعطاف‌پذیری پایین، سطح پایین مهارت‌های ارتباطی، سطح پایین دانش IT
چالش‌های مدیریتی-سازمانی-قانونی	تأکید بر دستاوردهای فردی، ساختار سلسله‌مراتبی، روشن نبودن اهداف تیمی، محافظه‌کاری در مدیریت و عدم استقبال از ایده‌های جدید، تسلط سرمایه اقتصادی بر سرمایه اجتماعی، بی‌توجهی به مبحث آموزش، تعدد و پراکندگی مدیریتی، نبود مدیریت تخصصی و حرفه‌ای، تغییرات متعدد مدیریتی، محدودیت حوزه عمل و فعالیت، نبود شفافیت و فساد مدیریتی، مشروعیت پایین مدیریت تعاونی، فقدان روحیه مشارکت‌پذیری، ناآشنایی با اصول تعاون و بی‌باوری به آن، فعالیت مدیران تعاونی در بخش خصوصی، بازاریابی نامناسب
چالش‌های اقتصادی	قدرت رقابت پایین با سایر بخش‌های اقتصاد، کیفیت نامطلوب تولید، نبود سرمایه در گردش، تسهیلات ناکافی، ناتوانی‌های مالی شامل بدهی به بانک‌ها و ...، وابستگی به دولت، پایین بودن سرمایه تعاونی‌ها، توانایی آن‌ها در تأمین وثیقه اخذ وام، کمبود امکانات فیزیکی و زیرساختی، مشکلات دسترسی به وام با بهره مناسب

روش‌شناسی پژوهش

فرایند شناسایی مسئله اغلب با روش کیفی انجام می‌شود؛ چراکه مسائل برخلاف مشکلات لایه‌لایه هستند و نیازمند کاوشی عمیق‌اند. بر مبنای رویکرد کیفی اتخاذشده در این پژوهش تکنیک گردآوری مصاحبه و تکنیک تحلیل داده‌ها منطبق بر روش تحلیل مضمون بود. به‌طورکلی، روش‌های تحلیل کیفی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته، روش‌هایی هستند که عمدتاً از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی نشئت می‌گیرند که به‌کارگیری آنها

تنوع نسبتاً محدودی دارد؛ دسته دوم، روش‌هایی است که اساساً مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی هستند و در طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری و معرفت‌شناسی می‌توان از آنها استفاده کرد. تحلیل مضمون در دسته دوم جای می‌گیرد و هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود. تحلیل مضمون به چهارچوب نظری از پیش موجود وابسته نیست و مانند روش نظریه زمینه‌ای قرار نیست که در نهایت به یک تولید نظریه منجر شود (جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۶-۱۵۸؛ به نقل از براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶). جمعیت مورد مطالعه شامل فعالان (مدیران، اعضای تعاونی‌ها و اتحادیه، تولیدکنندگان مطلع) و مسئولان (مدیران و کارشناسان سازمان‌های مرتبط) بود. به دلیل اینکه منبع و مبنای اصلی داده‌ها تجزیه و تحلیل نظرات کارشناسان و متخصصان است، نمونه‌گیری پس از انجام ۲۱ مصاحبه به حد اشباع رسید ولی برای اطمینان نمونه‌گیری تا ۲۵ نمونه ادامه پیدا کرد.

فرایند انجام پژوهش

فرایند انجام پژوهش از مطالعات نظری در خصوص مبحث تعاونی، صنایع دستی و مسئله آغاز شد. سپس، بر مبنای مطالعات نظری و همچنین مصاحبه‌های اکتشافی مسئله پژوهش تدقیق و جمعیت مورد مطالعه مشخص گردید. در مرحله بعد پروتکل مصاحبه تنظیم و مصاحبه‌ها آغاز شد. افراد مصاحبه شونده بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در واقع، تلاش شد با افرادی مصاحبه شود که بیشترین اطلاعات و تجربه را در خصوص موضوع پژوهش دارند. در مرحله نهایی نیز داده‌ها تحلیل و نتیجه نهایی تدوین گردید.

جدول ۳: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

شماره مصاحبه‌شونده	هنرمند/تعاونی	شماره مصاحبه‌شونده	هنرمند/تعاونی
مصاحبه‌شونده ۱	هنرمند چیت‌ساز	مصاحبه‌شونده ۱۴	اتحادیه صنایع دستی
مصاحبه‌شونده ۲	تعاونی چیت‌سازها	مصاحبه‌شونده ۱۵	کارمند اداره تعاون
مصاحبه‌شونده ۳	تعاونی چیت‌سازها	مصاحبه‌شونده ۱۶	کارمند اداره تعاون
مصاحبه‌شونده ۴	تعاونی چیت‌سازها	مصاحبه‌شونده ۱۷	اتاق تعاون
مصاحبه‌شونده ۵	تعاونی چیت‌سازها	مصاحبه‌شونده ۱۸	کارمند اداره تعاون
مصاحبه‌شونده ۶	هنرمند قلم‌زن	مصاحبه‌شونده ۱۹	کارمند اداره تعاون
مصاحبه‌شونده ۷	هنرمند قلم‌زن	مصاحبه‌شونده ۲۰	تعاونی زرین فراز نقش جهان
مصاحبه‌شونده ۸	تعاونی مینا کارها	مصاحبه‌شونده ۲۱	تعاونی تروند نگار نقشینه
مصاحبه‌شونده ۹	تعاونی قلم‌زن‌ها	مصاحبه‌شونده ۲۲	تعاونی هنرمندان توانمند نقش جهان
مصاحبه‌شونده ۱۰	تعاونی قلم‌زن‌ها	مصاحبه‌شونده ۲۳	تعاونی دیباخانه صنایع دستی
مصاحبه‌شونده ۱۱	هنرمند فلز کار	مصاحبه‌شونده ۲۴	تعاونی دیباخانه صنایع دستی
مصاحبه‌شونده ۱۲	تعاونی قلم‌زن‌ها	مصاحبه‌شونده ۲۵	هنرمند مینا کار
مصاحبه‌شونده ۱۳	اتحادیه صنایع دستی		

1. Braun & Clarke

یافته‌های پژوهش

در این قسمت مروری خواهیم داشت بر یافته‌های این پژوهش که محصول فرایند کدگذاری و تحلیل ۲۵ مورد مصاحبه در شهر اصفهان است. نتایج این گفتگوها در قالب علل افول تعاونی‌های صنایع دستی در ادامه ارائه خواهد شد.

مسائل تعاونی‌های صنایع دستی

مسئله از آنجایی شروع می‌شود که تعاونی‌ها دیگر تعاونی نیستند و از انجام وظایف تعاونی ناتوان‌اند. به همین خاطر دیگر موضوعیتی ندارند، و گویا به همین دلیل خودبه‌خود تعطیل شده یا به حالت تعلیق درآمده‌اند. از جمله وظایف اصلی تعاونی‌های صنایع دستی، تأمین مواد خام و مواد اولیه موردنیاز صنعتگران و هنرمندان است که همه افراد مصاحبه‌شونده در پژوهش بر این نظر بودند که تعاونی‌ها از عهده این وظیفه برنمی‌آیند. حمایت از صنعتگران برای فروش محصولات و وظیفه دیگری است که آن‌هم از توان تعاونی‌ها خارج شده است. عدم دسترسی تعاونی‌ها به مواد اولیه صنایع دستی از یک‌سو تحت تأثیر تحریم‌ها و عدم واردات مواد اولیه و از سوی دیگر تحت تأثیر برخی ناکارآمدی‌های داخلی است. مسائلی که منجر به ناکارآمدی و حتی تعطیلی برخی تعاونی‌های صنایع دستی در اصفهان شده به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند. این سه عبارت‌اند از مسائل درون‌سازمانی تعاونی‌ها، مسائل بین‌سازمانی (بین تعاونی‌ها و دیگر سازمان‌های مرتبط)، و مسائل فرا سازمانی که فراتر از سازمان خاص و در سطح کلان بر این روند اثرگذار هستند. در ادامه هرکدام از این دسته‌ها مورد بررسی قرار گرفته و به جزییات آن‌ها و نقل‌قول‌هایی از سوی مشارکت‌کنندگان اشاره می‌شود.



نمودار ۱: مسائل تعاونی‌های صنایع دستی

مسائل درون‌سازمانی تعاونی‌ها

مسائل درون‌سازمانی تعاونی‌ها خود به سه سطح قابل‌تقسیم است؛ سطح اول مشکلات سطح مدیریتی (هیئت‌مدیره تعاونی‌ها) است. سطح دوم مربوط به بدنه و اعضای عادی تعاونی‌هاست و سطح سوم به محدودیت‌های مالی تعاونی‌ها مرتبط است.



نمودار ۲: طبقه‌بندی مسائل درون‌سازمانی تعاونی‌ها

مسائل درون‌سازمانی تعاونی‌ها

مشکلات سطح مدیریتی: «فساد در هیئت‌مدیره تعاونی‌ها» از جمله عباراتی است که به‌دفعات توسط شرکت‌کنندگان در پژوهش مورد‌استفاده قرار گرفته است. این‌طور به نظر می‌آید که بخشی از مشکلات تعاونی‌ها به ناکارآمدی اعضای هیئت‌مدیره بازمی‌گردد. اگرچه اغلب اعضای مصاحبه‌شونده خود اعضای هیئت‌مدیره هستند اما این درک وجود دارد که هیئت‌مدیره‌های قبلی وظیفه خود را به‌درستی انجام نداده، منفعت‌طلب بوده و با رانت کار خود را پیش برده‌اند. جدا از اینکه بدون تردید بخشی از ناکارآمدی تعاونی‌ها ناشی از عملکرد هیئت‌مدیره است اما باید این امکان را هم در نظر گرفت که بی‌اعتمادی زیادی بین اعضای دوره‌های مختلف هیئت‌مدیره وجود دارد. در اینجا یکی دیگر از موضوعات این بخش اهمیت پیدا می‌کند؛ «عدم شفافیت». بی‌اعتمادی محصول عدم شفافیت، محاسبه‌پذیر نبودن عملکرد اعضا و عدم گردش آزاد اطلاعات است. برخی نظیر مصاحبه‌شونده شماره ۵ بر این اعتقاد بودند که:

«خود اعضای هیئت‌مدیره‌ها طوری عمل کرده‌اند که بازرسان نتوانند عملکرد آن‌ها را ارزیابی کنند و به این ترتیب فساد اداری را کتمان کرده‌اند تا مجبور به پاسخگویی نباشند».

چالش میان نسل قدیمی اعضای هیئت‌مدیره‌ها و اعضای جدید تعاونی‌ها از نکات قابل توجه در گفتگوها بود. در اغلب تعاونی‌ها اعضای هیئت‌مدیره افرادی با سابقه زیاد هستند. این افراد اگرچه دارای تعهد، سرمایه اجتماعی و تجربه هستند، اما بی‌نیاز از دانش نسل جدید اعضای تعاونی‌ها نیستند. گویا نوعی بی‌اعتمادی در این میان وجود دارد و مانع از این می‌شود که هیئت‌مدیره به پیشنهادهای و ایده‌های نسل جدید تعاونی‌ها اهمیت بدهد و این باعث دلسرد شدن نسل جوان و البته پیش نرفتن امور تعاونی‌ها شده است. مصاحبه‌شونده شماره ۲۴ می‌گوید:

«اعضای قدیمی تعاونی‌ها که اغلب بالای ۶۵ سال هستند اعتمادی به نسل جوان ندارند و اجازه حضور و تأثیرگذاری از سوی نسل جوان را نمی‌دهند و به تجربه خود بهای بیشتری می‌دهند».

یکی از عواملی که باعث شکل‌گیری یک تصویر نامطلوب از مدیران تعاونی‌ها شده است عملکرد ایشان در ارتباط با هنرمندان جوان است. تجارب برخی از مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش حاکی از این است که برخی از این افراد که اتفاقاً هنرمندان برجسته و با سابقه‌ای هستند در ارتباط با نسل جدید هنرمندان اخلاق حرفه‌ای را رعایت نمی‌کنند. مصاحبه‌شونده شماره ۲۰ در این مورد می‌گوید:

«بعضی از اعضای هیئت‌مدیره نسبت به هنرمندان و شاگردان خودشان هیچ رحمی ندارند، حق آن‌ها را می‌خورند و بیگاری می‌کشند. آن وقت انتظار دارید جوان‌ها بیایند عضو تعاونی‌هایی بشوند که این‌ها مدیرانش هستند؟»

اهمال در امور، عدم پیگیری نیازها و درخواست‌های اعضای تعاونی‌ها و عدم پیگیری فرصت‌های پول‌ساز برای تعاونی‌ها، سوء مدیریت و نبود مدیریت و اخلاق حرفه‌ای از جمله مواردی هستند که اعضای هیئت‌مدیره بابت آن مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

مشکلات سطح بدنه: «بی‌انگیزگی اعضای تعاونی‌ها» یکی از مهم‌ترین و پرتکرارترین مفاهیم در این بخش است. به‌طور ویژه به این امر اشاره شده است که اعضای جدیدی که به تعاونی‌ها می‌پیوندند انگیزه‌ای برای کار تعاونی ندارند. آن‌ها نه تنها شناختی از روند کار تعاونی‌ها ندارند بلکه بیشتر برای اهداف شخصی و حرفه‌ای آمده‌اند و نه انجام کار جمعی. در این میان، اختلاف سنی میان نسل قدیم و نسل جدید اعضای تعاونی هم مزید بر علت عدم شکل‌گیری روحیه کار جمعی در تعاونی‌ها می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۳ می‌گوید:

«اختلافات سنی عمیقی میان اعضای تعاونی‌ها هست. نسل‌های مختلف با انگیزه‌های متفاوت عضو تعاونی‌ها می‌شوند. برای همین انگیزه‌بخشی به آن‌ها کار سختی است و البته

تصمیم‌گیری در هیئت‌مدیره هم با مشکل دچار می‌شود. چون نسل قدیمی‌تر محافظه‌کارتر است و نسل جوان آینده‌نگرتر و اهل ریسک».

بخشی از مشکلات در این سطح ناشی از عدم بهره‌مندی تعاونی‌ها از اعضای خبره، متعهد، بانگیزه و توانمند است. هنرمندان از تعاونی‌ها و دیگر سازمان‌های حامی این انتظار را دارند که در فروش محصولات از آن‌ها حمایت کنند. به‌ویژه در شرایط فعلی که فروش صنایع‌دستی با بحران روبرو شده است. هنرمندان بر این باورند که آن‌ها باید به فروش آنلاین محصولات خود روی بیاورند که در این مورد هم نیاز به هدایت و همیاری دارند. مصاحبه‌شونده شماره ۴ می‌گوید:

«هنرمندان فروشنده نیستند. نه توانش را دارند و نه امکانش را. در کنار هنرمندان باید تیمی از بازاریاب و فروشنده و مترجم و... وجود داشته باشد. به‌خصوص برای فروش خارجی نیازمند این هستیم که بدانیم هر کشوری چه سلیقه و چه ترجیحاتی دارد. این خیلی مهم است و رمز موفقیت در نمایشگاه‌های خارجی است».

عدم درآمدزایی: عدم درآمدزایی از مشکلات اصلی تعاونی‌هاست که نقش قابل‌توجهی در رکود آن‌ها دارد. به دو گزاره زیر از مصاحبه‌شوندگان شماره ۲ و ۱۶ توجه کنید:

«تولیدکننده‌ها دیگر بابت فروششان، سهم ۸٪ به تعاونی پرداخت نمی‌کنند. آن‌ها خودشان مستقیم با مصرف‌کننده ارتباط می‌گیرند».

«درآمد شرکت‌های تعاونی محدود به دریافت اجاره غرفه و فروشگاه شده است».

تعاونی‌ها به خاطر از دست دادن جایگاهشان برای تأمین نیاز تولیدکنندگان کم‌کم از درآمدزایی افتاده‌اند. عدم دسترسی به منابع مالی هم می‌تواند علت رکود کار تعاونی‌ها باشد و هم از سوی دیگر نتیجه رکود تعاونی‌ها. یکی از فعالیت‌های تعاونی‌ها که به‌شدت تحت تأثیر این عدم دسترسی به منابع مالی قرار گرفته امکان شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی است. شرکت در نمایشگاه‌ها راهی برای معرفی محصولات، بازاریابی، شناسایی سلیقه مصرف‌کنندگان و افتتاح باب صادرات است؛ اما رکود کار تعاونی‌ها، به‌علاوه مسائل فرا سازمانی که بعدازاین به آن‌ها اشاره خواهد شد، شرکت در نمایشگاه‌ها به‌خصوص نمایشگاه‌های خارجی را تبدیل به یک رؤیا کرده‌اند.

مسائل بین‌سازمانی

در این بخش به مشکلاتی اشاره می‌شود که ریشه در اختلاف‌نظر، تضاد منافع، و یا عدم حمایت سازمان‌های مسئول از تعاونی‌های صنایع‌دستی دارد. این سازمان‌ها عبارت‌اند از سازمان صنایع‌دستی، اداره تعاون، اتاق تعاون و دولت.

مسائل بین سازمانی			
ناکارآمدی سازمان صنایع دستی	ناکارآمدی اداره تعاون	ناکارآمدی اتاق تعاون	ورود ناکارآمد دولت به حوزه صنایع دستی
تفرقه افکنی در تعاونی‌ها	ناتوانی در حمایت مالی از تعاونی‌ها	عدم توان مذاکره	ناتوانی دولت در تأمین مواد خام اولیه
کارشکنی در فعالیتهای تعاونی‌ها و دیگر سازمان‌های حامی صنایع دستی	عدم ارائه آموزش	عدم دسترسی به منابع مالی	عدم حمایت دولت از صنایع دستی داخلی در مقابل صنایع دستی خارجی
	ضعف در بازرسی		عدم حمایت دولت از طریق سیاست خارجی و حمایت از توریسم
	غلبه رابطه بر ضابطه		کوتاهی دولت در امر آموزش تعاونی‌ها
			عدم حمایت مادی و حقوقی از هنرمندان
			عدم حمایت مالی از تعاونی‌ها
			به روز نکردن قوانین مربوط به تعاونی‌ها

نمودار ۳: طبقه‌بندی مسائل بین سازمانی تعاونی‌ها

اداره تعاون: گزاره‌های زیر به‌خوبی وظایف اداره تعاون و علت ناکارآمدی آن در حمایت از تعاونی‌های صنایع دستی را نشان می‌دهد. مصاحبه‌شوندگان شماره ۱، ۲، ۹ و ۲۰ در این مورد این‌طور ادعا می‌کنند:

«بارها پیش آمده که اداره تعاون به‌جای حمایت کارشکنی کرده است. به‌خصوص در نمایشگاه‌های خارجی. همه‌چیز رانتهی پیش می‌رود و حتی اگر شما بتوانید با هزینه شخصی در این نمایشگاه‌ها حضور پیدا کنید تجربه من فقط کارشکنی است... آن‌ها قول و وعده می‌دهند اما عمل نمی‌کنند. اصلاً انگار دشمن همدیگر هستیم».

«اداره تعاون وظیفه خود مبنی بر بازرسی و نظارت بر تعاونی‌ها را به‌خوبی انجام نمی‌دهد. اداره تعاون گاهی مواقع رابطه را جایگزین ضابطه می‌کند و با رانت بازی اعمالی انجام می‌دهد که به نفع تعاونی نیست».

«آموزش‌های اداره تعاون به‌صورت اختیاری و داوطلبانه انجام می‌شود و نتایج چندانی ندارد».

«ادغام اداره تعاون با اداره کار در سال ۱۳۹۰ عملاً منجر به تحلیل رفتن اداره تعاون شد. این ادغام در واقع باعث شد وزن اداره کار بر کل این اداره تلفیقی سنگینی کند و اداره تعاون به حاشیه برود».

«به دلیل کوچک شدن اداره تعاون در سال‌های اخیر تعداد اعضای این سازمان هم کاهش یافته که به‌طور خاص در تیم نظارت مشهود است. به همین خاطر در نظارت‌های سالیانه و ۶ ماه یک‌بار امکان نظارت بر همه تعاونی‌ها وجود ندارد. بنابراین، اولویت‌سنجی می‌شود و بر تعاونی‌های بزرگ که دارای چندین هزار نفر عضو هستند نظارت می‌شوند. در نتیجه در سال‌های اخیر اغلب اداره تعاون پتانسیل نظارت بر تعاونی‌های صنایع دستی را نداشته است».

در مجموع، موضوعاتی که از سوی اعضای نمونه در انتقاد از اداره تعاون مطرح شد عبارت‌اند از: ناکارآمدی اداره تعاون در بازرسی و نظارت بر کار تعاونی‌ها، کم‌کاری اداره تعاون در ارائه آموزش به اعضای تعاونی‌ها، عدم حمایت مادی از تعاونی‌ها و اهمال در بررسی نظرات و شکایات اعضای تعاونی‌ها.

سازمان صنایع دستی: اما سازمان صنایع دستی بیش از هر سازمان دیگری مورد سرزنش قرار گرفت. مصاحبه‌شوندگان شماره ۷، ۳ و ۱۸ در این مورد این‌طور توضیح داده‌اند:

«سازمان صنایع دستی پدر شرکت‌های تعاونی است اما گاهی با تنگ نظری با این شرکت‌ها رفتار می‌کند. برای مثال، در مقابل خلاقیت‌هایی که شرکت‌ها برای فروش و تولید و بسته‌بندی به کار می‌برند مقاومت می‌کند. یا به‌محض اینکه اتحادیه سراسری در آستانه کسب قدرت و اعتبار است به کارشکنی رو می‌آورد. برای مثال، سازمان صنایع دستی به بهانه‌های مختلف فروشگاه‌های اتحادیه‌ها در میدان نقش‌جهان را پلمپ کرد و یا از ادامه همکاری این شرکت‌ها با کشورهای خارجی ممانعت کرد.»

«سازمان صنایع دستی خیلی به صنایع دستی آسیب زد. آن‌ها حتی اتحادیه کشوری صنایع دستی را تشویق می‌کردند با اتحادیه‌های استانی همکاری نکنند. همین‌طور جلوی برخی ایده‌ها برای بهبود وضعیت صنایع دستی را گرفتند. برای مثال، تلاش‌های فراوانی کردیم تا در دوره احمدی‌نژاد صنایع دستی را وارد بازار جوایز بانک‌ها کنیم. حتی این پروسه آغاز شد اما همین سازمان صنایع دستی مانع ادامه شد.»

«تبدیل شدن سازمان صنایع دستی به شرکت سهامی صنایع دستی یک تصمیم غلط بود که عملکرد این سازمان را تحت تأثیر قرار داده است.»

آن‌طور که از گفتگوها برمی‌آید درحالی‌که انتقاد شرکت‌کنندگان از سازمان صنایع دستی بیشتر از جنس عدم همکاری، تضاد منافع و رانت بازی است؛ اداره تعاون بیشتر به خاطر عدم حمایت کافی (که آن هم بیشتر به خاطر عدم دسترسی خود این اداره به منابع مادی و انسانی است) سرزنش شده است.

اتاق تعاون: اتاق تعاون از دیگر سازمان‌هایی بوده که توسط مشارکت‌کنندگان پژوهش به‌عنوان سازمانی معرفی شد که کارایی و قدرت چندانی برای حمایت ندارد. گویا عدم دسترسی به منابع مالی قدرت چانه‌زنی را از این سازمان سلب کرده است. این در حالی است که اتاق تعاون می‌توانست به‌ویژه در حمایت از صنایع دستی برای حضور در نمایشگاه‌های خارجی مؤثر باشد.

در این میان جدای از اینکه ممکن است سازمان‌ها وظیفه خود را به‌خوبی انجام ندهند اما گویا قواعدی وجود دارد که در همه این سازمان‌ها ریشه دوانیده و انجام مستمر و مفید امور را مانع می‌شود. شفاف نبودن قوانین، شفاف نبودن فرایندها و سازوکارها، تعریف نشدن نقش‌ها،

شفاف نبودن وظایف و مسئولیت‌های سازمان و البته عدم بازرسی عوامل مشترکی هستند که در سطحی فراتر از یک سازمان خاص بر ناکارآمدی تعاونی‌ها و نارضایتی آن‌ها نقش دارند. این موضوع به شیوه‌های گوناگون توسط تعدادی از مشارکت‌کنندگان مطرح شد. در اینجا به یک نقل قول از مصاحبه‌شونده شماره ۲۳ اکتفا می‌کنیم:

«صنایع‌دستی متولیان بسیاری دارد. آموزش صنایع‌دستی، به سازمان فنی و حرفه‌ای سپرده شده است، فروش در اختیارات سازمان صنعت، معدن و تجارت است، تشکیل تعاونی‌های تخصصی زیر نظر وزارت تعاون است، تشکلهای با وزارت کشور و وزارت کار درگیر هستند، برخی تصمیمات کلیدی هم توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تأمین اجتماعی و اتاق اصناف گرفته می‌شود. در این میان، مرتبط‌ترین سازمان؛ سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، گویا کمترین نقش و درگیری را دارد. این سازمان‌ها با موازی کاری، نداشتن نیروی کارشناسی، کارایی پایین و بلعیدن بودجه به صنایع‌دستی آسیب می‌زنند. آن‌ها با تصمیمات غیر کارشناسی نیز زیان رسان هستند. به‌طور مثال در تصمیمی که در اتاق اصناف وابسته به وزارت صنعت معدن و تجارت گرفته شده، پنجاه درصد رسته‌های صنایع‌دستی به اتحادیه‌های غیر مرتبط مثل اتحادیه طلا و جواهر سپرده شده و یا در تصمیم مشترک سازمان فنی و حرفه‌ای و سازمان تأمین اجتماعی برای ادغام رسته‌ها، بیست رسته و هفت هزار فعال صنایع‌دستی از پوشش وام و بیمه محروم شده‌اند. همچنین با حذف برخی از رسته‌ها از حوزه مشاغل خانگی، فعالین خانگی صنایع‌دستی از برخی امتیازات محروم مانده‌اند. علاوه بر همه این دغدغه‌ها، گاهی اوقات دخالت سازمان‌های دیگری چون اداره اماکن، نیروی انتظامی و شهرداری، گرفتاری‌ها را دوچندان می‌کند».

آن گونه که از گفتگوها برمی‌آید ناکارآمدی اداری یا بهتر بگوییم بروکراسی ناکارآمد در ایران صنایع‌دستی را هم بی‌نصیب نگذاشته است. علاوه بر متولیان که قرار بوده هر کدام گوشه‌ای از کار را بر عهده بگیرند به نظر می‌رسد صنایع‌دستی به خاطر خاصیت چندبعدی بودنش از حیث فرهنگ و اقتصاد بیش‌ازاندازه از تضاد منافع و سلیقه‌ها آسیب دیده است. همین‌طور، قواعد بازی حاکم بر محیط‌های اداری و سازمانی و نهادهای سیاست‌گذار نیز به شیوه دیگر صنایع‌دستی و به تبع آن تعاونی‌های صنایع‌دستی را قربانی کرده است.

ورود ناکارآمد دولت به حوزه صنایع‌دستی: در این قسمت به خاطر اهمیتی که دولت‌ها در پیشبرد اهداف تعاونی‌ها دارند دولت را از دیگر نهادها و سازمان‌های اثرگذار تفکیک کرده‌ایم. دولت‌ها به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد تعاونی‌ها تأثیرگذار هستند. آن‌ها از یک سو با سیاست‌های اقتصادی‌شان بر فضای کسب‌وکار در همه حوزه‌ها از جمله صنایع‌دستی تأثیرگذار هستند. تصمیمات مربوط به سیاست خارجی، فضای کسب‌وکار، رونق اقتصادی، جذب توریست، همه در شکوفایی صنایع‌دستی در کنار دیگر بخش‌های اقتصاد تأثیرگذار است. از سوی دیگر، دولت‌ها در زمان حیات خود با تصویب قوانین و مصوبه‌ها و تخصیص بودجه می‌توانند در پیشبرد

اهداف تعاونی‌ها از جمله تعاونی صنایع‌دستی اثرگذار باشند و از صنعتگران و هنرمندان حمایت کنند. یکی از مسائلی که در این بخش مورد توجه همه مصاحبه‌شوندگان در پژوهش بود، بحث بیمه هنرمندان است. گویا محمود احمدی‌نژاد تدابیری برای بیمه کردن هنرمندان صنایع‌دستی اندیشیده بود که توسط تعدادی از مصاحبه‌شوندگان عنوان و تقدیر شد. اما این فرایند بیمه کردن کامل نشد و هنوز هم تعداد قابل توجهی از هنرمندان صنایع‌دستی از بیمه محروم هستند.

انتظار هنرمندان این است که دولت در کنار حمایت مالی از تعاونی‌ها در بحث آموزش هم وارد شود. همین‌طور آن‌ها از دولت و نهادهای دولتی مانند وزارت امور خارجه به دلیل ارتباطی که با امور خارجی دارند این انتظار را دارند که در بحث گردشگری، و برگزاری نمایشگاه‌های خارجی حامی صنایع‌دستی باشند. به‌زعم ایشان، سفرای فرهنگی این توانایی را دارند که برای شناساندن فرهنگ و هنر ایران به دیگر کشورها قدم بردارند و با حمایت از هنرمندان راه معرفی صنایع‌دستی، بازاریابی و صادرات صنایع‌دستی را مهیا کنند.

برخی بر این باور بودند که بعد از انقلاب، برخلاف دوران پیش از انقلاب، دولت ورود اثرگذاری در تعاونی‌های صنایع‌دستی نداشته است. مصاحبه‌شونده شماره ۱ می‌گوید:

«دولت بعد از انقلاب تعاونی‌های صنایع‌دستی را رها کرد. کمکی که کرد این بود که گاهی از صنایع‌دستی برای هدیه دادن استفاده می‌کرد. اما همیشه محصولات کم کیفیت را استفاده می‌کرد تا ارزان باشد. همین باعث می‌شد انگیزه هنرمندان کم شود. چون می‌دیدند که محصول بی کیفیت و ارزان بیشتر مشتری دارد. آن‌ها هم به تولید کم کیفیت رو آوردند».

موضوع دیگری که مورد گله هنرمندان بود این است که دولت در مقابل صنایع‌دستی بی کیفیت و کپی شده خارجی از صنایع‌دستی اصیل و باکیفیت داخلی حمایت نمی‌کند و حتی بازار فروش این کالاهای تقلبی را در ایران گرم می‌کند. مصاحبه‌شونده شماره ۹ می‌گوید:

«چین رقیب ایران در صنایع‌دستی شده است. چینی‌ها وارد ایران می‌شوند و صنایع‌دستی خودشان را می‌فروشند و دولت نسبت به این موضوع بی تفاوت است. در حالیکه اگر ایرانی‌ها در کشورهای دیگر چیزی بفروشند باید مالیات آن را به دولت‌های آنجا بدهند. اما چینی‌ها مفت و مجانی نه تنها محصولاتشان را در ایران می‌فروشند بلکه بازار محصولات داخل را هم کساد می‌کنند».

همین‌طور ناتوانی دولت در تأمین نیازهای اولیه یعنی مواد خام برای صنعتگران صنایع‌دستی نیز توسط مصاحبه‌شوندگان در پژوهش اشاره شد. گویا پیش از این دولت‌ها می‌توانستند مواد اولیه را خریداری و در اختیار تعاونی‌ها قرار دهند، اما در حال حاضر مواد خام در اختیار دلالتان و بعضی قاچاقچی‌ها قرار گرفته است.

مسائل سطح فرا سازمانی

در کنار عوامل درون سازمانی تعاونی‌ها و اختلافاتی که بین تعاونی‌ها و دیگر سازمان‌ها وجود دارد، فضای غالب اقتصادی کشور بر تولید، توزیع و مصرف صنایع دستی تأثیرگذار است. تأثیر رکود اقتصادی و تورم عاملی است که بدون استثناء در همه مصاحبه‌ها به آن اشاره شد. علاوه بر این، انزوای اقتصاد تعاونی در ایران، مهجور شدن صنایع دستی در ایران و همه‌گیری کووید ۱۹ از دیگر مسائل فرا سازمانی مؤثر بر افول تعاونی‌ها دانسته شد.



نمودار ۴: طبقه‌بندی مسائل فرا سازمانی تعاونی‌ها

رکود اقتصادی

سایه کساد اقتصادی بر سر صنایع دستی هم افتاده است. همه مصاحبه‌شوندگان در پژوهش از اوضاع اقتصادی گله‌مند بودند. آن‌ها از یک‌سو به مواد اولیه دسترسی ندارند. مواد اولیه صنایع دستی اغلب از خارج وارد می‌شود که تحریم‌ها و البته افت ارزش پول ملی واردات را با مشکل روبرو کرده است. از سوی دیگر، تولیدکنندگان مواد خام داخلی هم به دلایلی نظیر ارزش افزوده بالا و دلایل نامعلوم دیگر نتوانستند نیاز تولیدکنندگان صنایع دستی را برطرف کنند. تحریم‌های اقتصادی بدون تردید بر فضای کسب‌وکار، انگیزه کار و سرمایه‌گذاری و تولید و حتی مصرف تأثیرگذار بوده است. بدون وجود مصرف‌کننده برای صنایع دستی به‌عنوان کالاهای زینتی قاعدتاً نمی‌توان انتظار رونق بازار صنایع دستی را داشت. مصاحبه‌شونده شماره ۴ می‌گوید:

«تحریم‌ها باعث شده نقدینگی دولت کم شود و در نتیجه سازمان‌هایی مثل اداره تعاون هم بودجه کمتری بگیرند و در نهایت بودجه‌ای نداشته باشند که بین تعاونی‌ها تقسیم کنند. همینطور تحریم‌ها باعث شده در واردات مواد اولیه و صادرات کالاها با مشکل روبرو شویم.»

همه‌گیری کووید ۱۹

اگرچه به‌زعم مصاحبه‌شوندگان اوضاع صنایع‌دستی قبل از انتشار ویروس کرونا هم اوضاع آشفته‌ای بود، اما کرونا به این آشفتگی دامن زده است. از بین رفتن همان کورسوی امید باقی‌مانده برای ورود گردشگران به ایران، و دامن زدن کرونا به کساد اوضاع اقتصادی مردم و کاهش قدرت خرید آن‌ها صنایع‌دستی را بیش‌ازپیش به حاشیه رانده است. علاوه بر این، افت پروسه‌های اداری ناشی از همه‌گیری کرونا هم در تجربه برخی شرکت‌کنندگان دیده شد. برای مثال دو مصاحبه‌شونده شماره ۲ و ۵ از به تعویق افتادن وام‌های بانک تعاون و سازمان صنایع‌دستی به تعاونی‌ها در اثر کرونا خبر دادند.

انزوای اقتصاد تعاونی در ایران

«درحالی که انتظار می‌رود تعاونی‌ها ۲۵٪ اقتصاد را شکل بدهند، در حال حاضر سهم تعاونی‌ها از اقتصاد چیزی بین ۳ تا ۵ درصد است.»

این ادعای مصاحبه‌شونده شماره ۱ این پژوهش است. به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، اوضاع اقتصادی ایران چنان ناچور است که اصلاً اقتصاد تعاونی توان بقا در چنین سیستمی را ندارد:

«به خاطر فساد که در اقتصاد وجود دارد می‌توان گفت تعاونی‌ها جای کار ندارند. چون اقتصاد تعاونی با شفافیت حداکثری همراه است که امکان فساد را کم می‌کند اما اقتصاد در ایران آمیخته به فساد و رشوه است.»

موضوعی که در نظر اعضای باسابقه هیئت‌مدیره‌های تعاونی مشترک بود این است که تعاونی و کار تعاونی نیازمند روحیه کاری مختص به خودش است. اخلاق کار تعاونی که مبنی بر روحیه جمعی، خرد جمعی، فداکاری و انگیزه است نیاز به آموزش و تمرین دارد. در حالیکه کمتر نهاد آموزشی با هدف آموزش اخلاق کار تعاونی به نسل‌های جدید فعالیت می‌کند. مصاحبه‌شونده شماره ۳ می‌گوید:

«درحالی که قانون بر این بوده که از سال ۹۳ تعاونی‌ها و آموزش مربوط به آن‌ها وارد کتب درسی شود، تاکنون این اتفاق نیفتاده است. از دیگر مزایایی که قرار بوده شامل حال تعاونی‌ها شود این بوده که در مزایده‌ها تعاونی‌ها اولویت داشته باشند اما در عمل این‌ها عملی نشده است.»

مهجور شدن صنایع‌دستی در ایران

علاوه بر اینکه اوضاع نامطلوب اقتصادی، تحریم‌ها و بعضی سیاست‌های غلط اقتصادی شرایط را برای صنایع‌دستی و تعاونی‌های صنایع‌دستی دشوار کرده است، به لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز صنایع‌دستی در انزوا به سر می‌برد. این اعتقاد مصاحبه‌شوندگان در پژوهش است. به‌زعم آن‌ها

صنایع‌دستی جایی در خانه‌های ایرانی ندارد. افراد یا به دلیل هزینه بالای صنایع‌دستی باکیفیت و یا به دلایل سلیقه یا هر چیز دیگر تمایل زیادی برای نگهداشتن این وسایل در خانه و یا هدیه دادن آن‌ها ندارند. محبوبیت نداشتن صنایع‌دستی به‌علاوه جایگاه نازل اقتصادی هنرمندان و صنعتگران باعث شده افراد تمایلی به پیوستن به این حرفه‌ها نداشته. بسیاری از اعضای نمونه می‌گفتند که اعضای خانواده آن‌ها (به‌طور ویژه فرزندان‌شان) هیچ تمایلی به ادامه حرفه پدر ندارند.

بحث و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد نه تنها لازم است در مورد سهم اقتصاد تعاونی در اقتصاد کشور بازبینی شود بلکه ضرورت دارد که بار دیگر اهمیت اقتصاد تعاونی برای سیاستمداران و سیاست‌گذاران آشکار شود. اقتصاد تعاونی در کشورهای مختلف به‌عنوان راهی برای مبارزه با فقر، بیکاری و توسعه در ابعاد اجتماعی و اقتصادی به کار گرفته شده که موفق هم عمل کرده است. هند یکی از این تجارب موفق است که اتفاقاً توسط مصاحبه‌شوندگان هم به آن اشاره شد. اما دولت‌ها باید نسبت به این موضوع هشیار باشند و البته سازوکاری برای تجدیدنظر در قوانین مربوط به تعاونی‌ها داشته باشند. برای مثال، در اوضاع فعلی که کشور از رکود اقتصادی مازاد بر همه‌گیری کووید ۱۹ رنج می‌برد چه سیاستی باید برای تعاونی‌های تولید و مصرف‌اندیشیده شود. علاوه بر این، لازم است مکانیسمی طراحی شود که سیاست‌های مطلوبی که توسط دولت‌ها طراحی می‌شود ادامه پیدا کنند و نه اینکه با تغییر دولت‌ها یا سمت‌ها و نقش‌ها از بین بروند. بدون تردید ما نیازمند قوانین و سیاست‌های به‌روز در این زمینه هستیم تا هم از پتانسیل تعاونی‌ها در مسیر توسعه کشور نفع ببریم و هم در سطح خردتر از قشری که وابسته به عملکرد تعاونی‌ها و نیازمند حمایت تعاونی‌هاست، حمایت شود.

آنچه واضح است این است که صنایع‌دستی به‌شدت تحت تأثیر رکود اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی کمر خم کرده است. هنرمندان و صنعتگران هم در تولید و هم در فروش با موانع متعددی روبرو شده‌اند. از یک‌سو برای دستیابی به مواد اولیه دچار مشکل شده‌اند و از سوی دیگر از مشتری‌های داخل و خارج محروم‌اند. در این میان درحالی‌که تعاونی‌های صنایع‌دستی می‌توانستند بازوی همیار هنرمندان باشند، خود دچار رکود شده‌اند. از یک‌سو منابع مالی آن‌ها ته کشیده و از سوی دیگر قربانی اختلافات بین سازمانی و البته بین فردی یا بین گروهی داخلی شده‌اند. بدون تردید نهادها و سازمان‌هایی چون دولت، سازمان صنایع‌دستی، و اداره تعاون می‌توانستند از افول تعاونی‌ها پیشگیری بکنند. اما به نظر می‌رسد رکود اقتصادی و سوء مدیریت در این نهادها مانع از این حمایت شده است. و حالا تعاونی‌های صنایع‌دستی به مرحله‌ای رسیده‌اند که نیاز به احیا شدن دارند.

پس همان‌گونه که واضح است مسئله افول تعاونی‌های صنایع‌دستی یک امر ساختاری و کلان است. تعاونی‌های صنایع‌دستی از زنجیره‌ای از ناکارآمدی، ناآگاهی و بی‌تدبیری، بی‌پولی و بی‌توجهی رنج می‌برند. چنانچه بخواهیم دو عامل عمده این افول را نام ببریم باید به این دو مورد اشاره کنیم: اول بی‌توجهی به نقش تعاونی‌ها در رشد و رونق اقتصادی توسط دولت‌ها، و دوم اغماض از نقش گردشگری و صنایع‌دستی در توسعه کشور. این در حالی است که در شرایط فعلی کشور که دولت و ملت از رکود اقتصادی رنج می‌برد، اقتصاد تعاونی و گردشگری و صنایع‌دستی می‌توانستند روزه‌ای برای رشد و رونق باشند. اما شوربختانه از این داشته‌ها غفلت شده و توانایی و تدبیر سرمایه‌زایی از آن‌ها وجود ندارد.

نکته قابل‌توجه دیگر این است که تعاونی‌ها در ایران برحسب ضرورت اجتماعی و اقتصادی با حمایت دولت پس از انقلاب سفید شکل گرفتند. اگرچه این‌طور به نظر می‌آید که تعاونی‌ها شروع خوبی داشتند اما رفته‌رفته اثربخشی آن‌ها کم شده است. بطوریکه که حتی در حوزه پژوهش‌های اجتماعی و اقتصادی هم کمرنگ شدند. تعاونی‌های صنایع‌دستی از این مجموعه جدا نیستند. وابستگی آن‌ها به حمایت دولت آن‌ها را بیش‌ازاندازه آسیب‌پذیر کرده است و البته از سوی دیگر نباید از عامل فرهنگ کار جمعی و عقلانیت جمعی، و فرهنگ‌سازمانی غفلت کرد.

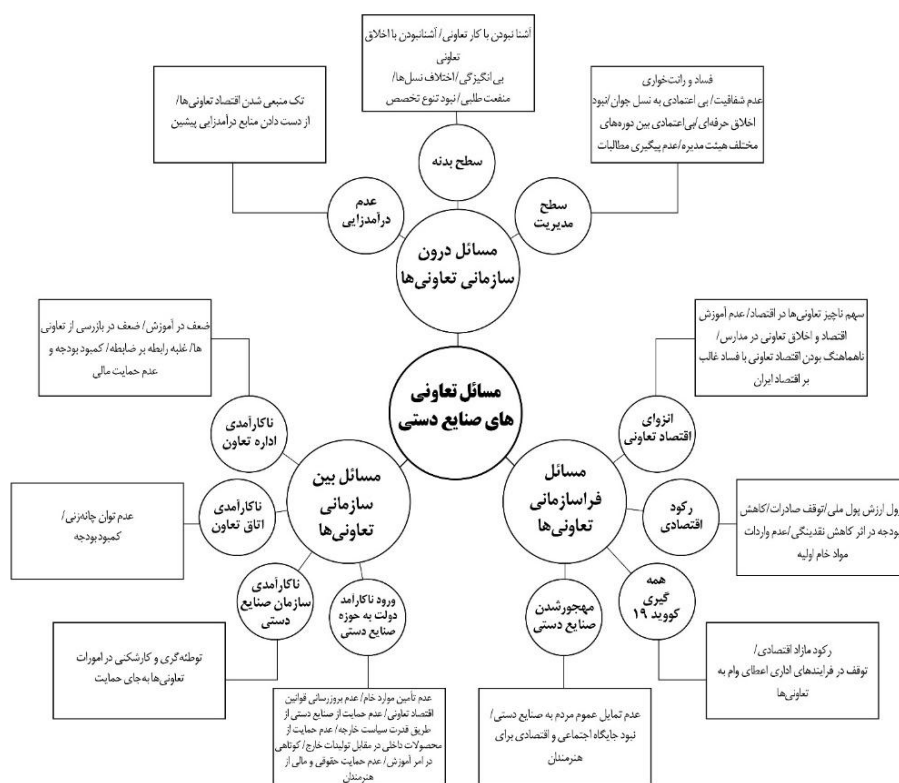
یافته‌های این پژوهش و روایت‌های صاحبان هنر و اعضای تعاونی‌ها در وهله اول می‌توانند جامعه را نسبت به این حوزه حساس کند. چنانچه این روایت‌ها عمومی شوند مردم با مشکلات و دغدغه‌های این هنرمندان آشنا می‌شوند و ارزش و اهمیت صنایع‌دستی به‌عنوان یک سرمایه ملی برای ایشان یادآور می‌شود. عموم جامعه یکی از مخاطبان اصلی این پژوهش هستند. مردمی که نیاز است در میان همه مشکلات اقتصادی اهمیت هنر و سرمایه ملی را فراموش نکنند و تا آنجا که می‌توانند از آن حمایت کنند. گرایش جامعه به‌سوی صنایع‌دستی بدون تردید خود‌انگیزه‌بخش هنرمندان برای کار بیشتر؛ خلاقیت بیشتر و کار باکیفیت بهتر می‌شود.

مخاطب دیگر این پژوهش دولت است. صنعت گردشگری همواره یکی از گزینه‌های روی میز برای رشد و تحول اقتصادی بوده که به دلایل مختلف نادیده گرفته شده یا حتی تخریب شده است. صنایع‌دستی به‌عنوان مکمل صنعت گردشگری از این مقوله جدا نیست. گردشگری و صنایع‌دستی می‌توانند به‌عنوان منبعی جهت تأمین بودجه در راستای اهداف توسعه‌ای دولت‌ها به کار گرفته شوند.

و اما مخاطبان دیگر این پژوهش سازمان‌هایی هستند که هرکدام در وضعیت فعلی تعاونی‌های صنایع‌دستی نقش داشته‌اند. سازمان صنایع‌دستی، اداره تعاون و اتاق تعاون سازمان‌هایی هستند که به ترتیب موردتوجه (و البته انتقاد) مصاحبه‌شوندگان این پژوهش قرار گرفتند. این سازمان‌ها نیاز دارند بدانند که چگونه عدم سلامت در عملکردشان به هنر و

هنرمندان آسیب وارد می‌کند تا چنانچه سهواً موجب این وضعیت شده‌اند از آن پرهیز کنند. هرکدام از این سازمان‌ها به دلایلی موجبات ضعف در عملکرد تعاونی‌های صنایع دستی شده‌اند که بخشی از آن مربوط به بوروکراسی معیوب حاکم بر سازمان‌ها و ادارات ایران است و بخشی دیگر مخصوص هرکدام از این سازمان‌ها که خود تحت تأثیر زمینه گسترده‌تر مانند بودجه این سازمان‌ها، مدیریت و غیره است.

در ادامه اعضای خود تعاونی‌ها به‌ویژه اعضای هیئت‌مدیره و هنرمندان صاحب‌نام می‌توانند از یافته‌های این پژوهش برای اثرگذاری بیشتر در حوزه صنایع دستی استفاده کنند. این پژوهش به‌مثابه یک آسیب‌شناسی که روایتگر تجارب اعضای تعاونی‌های صنایع دستی است، تصویری بی‌طرفانه و جامع از شیوه عملکرد تعاونی‌ها در اختیار این افراد قرار می‌دهد. اعضای هیئت‌مدیره و هنرمندان بنام این عرصه بدون تردید می‌توانند از جایگاه خود برای بهبود عملکرد تعاونی‌ها؛ انگیزه بخشی به اعضا و بازگرداندن اعتماد از دست‌رفته هنرمندان به تعاونی‌ها استفاده کنند.



نمودار ۵: شبکه مضامین

تشکر و قدردانی

از همراهی دفتر ترویج، آموزش و تحقیقات تعاونی‌های اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان سپاسگزاریم.

فهرست منابع

آجیلی، عبدالعظیم؛ منجم‌زاده، زهره؛ اشرفی، پریسا (۱۳۸۸)، بررسی مسائل و مشکلات تعاونی‌های زنان استان خوزستان و راه‌های ارتقاء کمی و کیفی آن‌ها، **مجله تعاون**، شماره ۲۰۸ و ۲۰۹، سال ۲۰، صص ۶۳-۸۱.

آرایش، محمداقبر، طاهری، محمدرشید، (۱۳۹۴) شناسایی موانع توسعه شرکت‌های تعاونی عشایری استان ایلام از دیدگاه اعضای تعاونی‌ها، **فصلنامه‌ی روستا و توسعه**، شماره ۴، سال ۱۸، صص ۴۷-۵۷.

اعتمادی، حسن، (۱۳۵۱)، **شرکت‌های تعاونی صنایع دستی**، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملی ایران.

امدادی، افروز؛ محبوبی، محمدرضا؛ عبدالله‌زاده، غلامحسین، (۱۳۹۷) تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای تعاونی‌های توسعه روستایی در استان گلستان، **تعاون و کشاورزی**، شماره ۲۷، سال ۷، صص ۸۷-۱۱۴.

خبازی کناری، مهدی؛ سبطی، صفا، (۱۳۹۶) آیا صنایع دستی هنر است؟ جستجوی جایگاه صنایع دستی در بین هنرها بر اساس زیبایی‌شناسی کانت، **فصلنامه‌ی کیمیا‌ی هنر**، شماره ۲، سال ۶، صص ۷-۱۸.

خسروی، احسان؛ غلام‌رضایی، سعید؛ رحیمیان، مهدی؛ اکبری، مرتضی، (۱۳۹۵) تحلیل موانع توسعه‌ی کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های کشاورزی با استفاده از رویکرد تئوری بنیانی، **تعاون و کشاورزی**، شماره ۱۹، سال ۵، صص ۱۶۷-۱۸۹.

رستارنما، محبوبه، (۱۳۸۹) انقراض تعاریف در هنر صنعت دستی؛ وارونگی معنا در صنایع دستی ایران، **ایرانا**، شماره ۳۳، سال ۵، صص ۱۶-۱۸.

سامیان، مسعود؛ موحدی، رضا، (۱۳۹۷) چالش‌ها و موانع توانمندی‌های تعاونی‌های تولید روستایی استان همدان، **تعاون و کشاورزی**، شماره ۲۵، سال ۷، صص ۱۴۷-۱۷۶.

سیار، زلیخا؛ موسوی، عفت؛ پویا، مهرداد؛ نادری مهدیی، کریم، (۱۳۹۶) ارتقا عملکرد کسب‌وکار تعاونی با رویکرد بازطراحی توان تولیدی؛ مطالعه موردی تعاونی‌های مصرف استان همدان، **نشریه کاوش‌های مدیریت بازرگانی**، شماره ۱۷، سال ۹، صص ۱-۳۰.

شبه‌ستری، الهام، (۱۳۸۶) حفظ صنایع دستی، حفظ آیین و فرهنگ ملی، **اتاق بازرگانی**، شماره ۱۱، ص ۱۷.

- صادقی، سیامک؛ زندی، خلیل، صادقی، پیمان، (۱۳۹۶) آسیب‌شناسی کار تیمی در تعاونی‌های کشاورزی شهرستان همدان، **فصلنامه رسالت مدیریت دولتی**، شماره ۲۵، سال ۸، صص ۴۵-۵۸.
- طاهرخانی، مهدی؛ قرنی آرانی، بهروز، (۱۳۸۴) مطالعه عوامل موثر بر گرایش روستاییان به تشکیل تعاونی‌های روستایی مطالعه موردی: دهستان فنوات قم، **تحقیقات جغرافیایی**، شماره پیاپی ۷۸، سال ۲۰، صص ۸۱-۱۰۱.
- عابدینی، صمد، (۱۳۹۰) بررسی رابطه عوامل مرتبط با انسجام روابط بین اعضای شرکت‌های تعاونی و نقش این عوامل در عملکرد اعضای شرکت‌های تعاونی، **مطالعات اجتماعی**، شماره ۱۰، سال ۳، صص ۷۹-۹۷.
- عاشقی، حسین؛ بیگی، طاهره؛ شاهسون، روح‌الله، (۱۳۹۷) شناسایی و طبقه‌بندی شایستگی‌های مدیران تعاونی‌ها، **تعاون و کشاورزی**، شماره ۲۹، سال ۸، صص ۳۵-۵۶.
- عطایی، پوریا؛ ایزدی، نسیم، (۱۳۹۴) سازه‌های تأثیرگذار بر زیاندهی تعاونی‌های روستایی؛ مورد مطالعه: تعاونی روستایی امیرکبیر در استان فارس، **علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران**، شماره ۱، سال ۱۱، صص ۱۸۱-۱۹۶.
- فرج‌زاده، مهشید، (۱۳۸۹) نقش صنایع دستی در توانمندسازی زنان، **روانشناسی شادکامی و موفقیت**، شماره ۷۶، سال ۷، ص ۵۶.
- کرمی، شهره؛ آگهی، حسین (۱۳۸۹) عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌ها: مطالعه موردی تعاونی‌های تولیدی محصولات خارج از فصل در استان کرمانشاه، **فصلنامه روستا و توسعه**، شماره ۲، سال ۱۳، صص ۳۱-۶۰.
- کرمی نژاد، احمد، (۱۳۸۷) بررسی صنایع دستی استان کهگیلویه و بویراحمد، **سمینارهای ادواری سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد**، صص ۱۵-۳۵.
- کلاتتری، خلیل؛ لویی آدریانی، رسول، (۱۳۹۵) شناسایی و تبیین چالش‌های پیش روی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در ایران با استفاده از رویکرد نظریه بنیانی، **مجله تعاون و کشاورزی**، شماره ۱۷، سال ۵، صص ۳۳-۵۱.
- کوهی، کمال، (۱۳۸۸) راهکارهای ارتقا فرهنگ تعاون، مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی، **مجله تعاون و کشاورزی**، شماره ۲۰۲ و ۲۰۳، سال ۲۰، صص ۱-۱۸.
- کیا، بیژن، (۱۳۸۸) صنایع دستی و توسعه فرهنگی، **آینه خیال**، شماره ۱۲، صص ۱۳۴-۱۳۵.
- مرادنژادی، همایون؛ فریادرس، زهرا؛ واحدی، مرجان، (۱۳۹۴) شناسایی و تحلیل مشکلات شرکت‌های تعاونی مرزنشین شهرستان ایلام، **مجله تعاون و کشاورزی**، شماره ۱۶، سال ۴، صص ۱۵۱-۱۷۶.
- نقیسی فر، مهدی، (۱۳۶۹) صنایع دستی، **تجارت و هنر**، شماره ۲، صص ۴۶-۴۷.

یزدان پناه، لیلا؛ صمدیان، فاطمه، (۱۳۸۸) عوامل موثر بر میزان موفقیت شرکتهای تعاونی مطالعه موردی صنایع دستی کرمان، **تعاون**، شماره ۲۰۲ و ۲۰۳، سال ۲۰، صص ۱۹ تا ۳۴.

Ahlander, S. (2002). The Social Economy: New Cooperatives and Public Sector. **Annals of Public and Cooperative Economics**, 72:3.

Lorendahl, B., Integrating Public and Cooperative Social Economy towards a New Swedish Model, **Annals of Public and Cooperative Economics**, 68:3.

Mohammadi Torkashvand, A., Badragheh, A., Allahyari, M. S., Samari, D., and Solouki, M. (2011). Factors affecting failure of fishery cooperatives In Guilan Province. **1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities**. Iran, Kish Island.

Nilsson, J. (1999). **Kooperativ Utveckling** (In Swedish), Student litterature, Lund.

Vivet, D. and B. Thiry (2001). Fields of Study, Quantitative Importance and National Acceptations: Ch1 in CIRIEC: The Organizations and Enterprises of the Third Sector: A Strategic Challenge for Employment.